



اخلاق و شریعت به دلیل هم‌سنخی ذاتی می‌توانند در کنار هم دیگر قرار گیرند

یک محقق و استاد دانشگاه با بیان اینکه هم اخلاق و هم شریعت به دلیل هم‌سنخی ذاتی می‌توانند در کنار هم دیگر قرار گیرند، گفت: این هم‌زیستی مسالمت آمیز اخلاق و دین را می‌توان نزد بسیاری از متفکران و فیلسوفان و عارفان مسلمان از ابن سینا تا خواجه نصیر و ملاصدرا و حضرت امام خمینی(ره) و دیگران مشاهده کرد.

یک محقق و استاد دانشگاه با بیان اینکه هم اخلاق و هم شریعت به دلیل هم‌سنخی ذاتی می‌توانند در کنار هم دیگر قرار گیرند، گفت: این هم‌زیستی مسالمت آمیز اخلاق و دین را می‌توان نزد بسیاری از متفکران و فیلسوفان و عارفان مسلمان از ابن سینا تا خواجه نصیر و ملاصدرا و حضرت امام خمینی(ره) و دیگران مشاهده کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، دکتر رضا ماحوزی عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی به چند سؤال در حوزه اخلاق پاسخ داده است که اکنون از نظر شما می‌گذرد.

* چه رابطه ای میان دین و اخلاق وجود دارد؟

رابطه اخلاق و دین در ادیان مختلف به انحاء متعدد و مختلفی طرح شده است. بخشی از نسبت میان این دو برای ما مسلمان‌ها و دین اسلام، از قدیم الایام ذیل مباحث مربوط به حسن و قبح عقلی و یا دینی طرح شده است. می‌دانیم که ادعای حسن و قبح دینی (شرعی) آن است که اخلاق ضابطه درستی و نادرستی طرح شده در فرامین خود را از دین و شریعت کسب می‌کند. به این معنا، درست آن چیزی است که شریعت اعلام داشته و نادرست و قبیح نیز آن چیزی است که شریعت اعلام داشته است. این منشأیت به ویژه در مواردی که احکام اخلاقی و رفتاری دینی مغایر عرف عام و یا خرد بشری است اهمیت بیشتری یافته و بر اولویت و برتری فرامین الهی بر تشخیص‌های بشری تأکید ورزیده شده است.

بخش دیگری از پیوند اخلاق و دین در جهان اسلام به عقلانیت موجود در احکام اخلاقی بازمی‌گردد. برکنار از ملاحظات و تحلیل‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی جدید، احکام اخلاقی غیربومی که داعیه فرازمانی و فرامکانی و شمولیت دارند باید برای همه اقوام و فرهنگ‌ها معتبر باشند. این مقوله فرامین مذکور را علاوه بر سطح تشخیص‌های فردی و تصمیم‌های موردی و مقطعی، در سطحی بنیادی‌تر نیز طرح کرده است. در سطح اخیر، وجه عقلانی دستورها و تکالیف اخلاقی مورد بحث قرار گرفته و نشان داده می‌شود چرا و چگونه و در چه سطحی اخلاق بر تکیه‌گاهی عقلانی تکیه زده است. این تکیه گاه هم به منظور تغذیه و هم به منظور دفع تصادمات و اصطکاک‌های احتمالی با احکام رفتاری شریعت تلاش می‌کند وجهی از دین را مورد توجه قرار دهد که اتفاقاً بر منبع و منشأ عقلانی تکیه زده است. به این معنا، شریعت و احکام ناظر بر تکالیف فردی و اجتماعی آن به مثابه متنی ملاحظه می‌گردد که توسط عقلی خردمند انشاء گردیده است. با این ملاحظه، هم اخلاق و هم شریعت به دلیل هم‌سنخی ذاتی می‌توانند در کنار هم دیگر قرار گیرند و چه بسا دین به دلیل بهره‌مندی از منشأیی برتر و عمیق‌تر محتوای اخلاق را تأمین کند. این هم‌زیستی مسالمت آمیز اخلاق و دین را می‌توان نزد بسیاری از متفکران و فیلسوفان و عارفان مسلمان از ابن سینا تا خواجه نصیر و ملاصدرا و حضرت امام خمینی(ره) و دیگران مشاهده کرد.

بخش دیگری از ارتباط این دو مقوله را می‌توان در ساحت فقه جستجو کرد. گستره وسیعی از مباحث اخلاقی موردنظر بزرگان فقه و بویژه فقه شیعه گویای ابتدای سنخی از اخلاق دینی است که در گسترده‌ترین سطح، تمامی وجوه زندگی انسان‌ها را از گهواره تا گور در برمی‌گیرد. می‌توان بخش عمده‌ای از معنای تمدن اسلامی را، آن گونه که از واقعیت و استمرار تاریخی برخوردار بوده است، در این پیوند ملاحظه کرد و مورد تحلیل قرار داد.

* چه رابطه ای میان اخلاق دینی و سکولار وجود دارد؟

اخلاق، خواه دینی و خواه غیردینی، اگر از بنیادی عقلانی برخوردار باشد، مبنایی مشترک برای گفتگو با سایر نحل‌های اخلاقی‌ای که مدعی عقلانیت هستند فراهم می‌آورد. برکنار از ادعای استقلال اخلاق از دین چه در منشأ و چه در عمل و برکنار از درستی و یا نادرستی این ادعا، مادامی که واقعاً اخلاق بر پایه‌ای عقلانی استوار است مثلاً تلاش می‌کند ضابطه‌های غیرشخصی و همگانی را در وضع تکالیف اخلاقی و یا در تعریف خوب و بد در نظر بگیرد، می‌تواند خواستار گفتگوی فیما بین با سایر نحل‌ها باشد؛ هرچند در نگاهی دقیق‌تر می‌توان در نفس عقلانی محض بودن این اخلاق‌ها تردید کرد و انتقادهای این اخلاق‌ها به اخلاق‌های مرتبط با ادیان را به خود آن‌ها بازگرداند.

* اخلاق چه نیازی به دین دارد؟

اگر از صرف تحلیل‌های نظری اندکی فاصله بگیریم و اخلاقیات را در متن واقعی جوامع در نظر آوریم، متوجه می‌شویم که هر جامعه‌ای مختصات فرهنگی کم و بیش ویژه‌ای دارد. برای جامعه ما ایرانی‌ها، دین و فرامین و احکام دینی بخش عمده‌ای از خودآگاه و ناخودآگاه فرهنگ ما را تشکیل می‌دهد. به این معنا هر اخلاقی برای جامعه ایرانی باید این مختصات فرهنگی را در نظر داشته باشد و حتی بیش از آن، از دل همین فرهنگ برخاسته باشد تا بتواند با تمامی مولفه‌ها و ارکان تشکیل دهنده آن مرتبط شده و هم تغذیه کند و هم تغذیه نماید. این مسئله نتایج بسیاری در مباحث مربوط به هویت‌های منسجم و دوری از آشفته‌گی فرهنگی دارد که ضرورتاً باید بدان توجه کرد. در اینجا بیش از آنکه بحث بر سر آن باشد که اخلاق مزبور دینی است یا غیردینی، بحث بر سر آن است که اخلاق مزبور با فرهنگ عمومی ما سازگار است و آیا می‌تواند نیازهای فرهنگی کشور ما که

مولفه‌های دینی و ملی و بین‌المللی فراوانی طناب‌های خیمه آنرا نگه داشته‌اند حمایت نماید یا خیر!

***توصیه های اخلاقی دینی چه رابطه ای با اخلاق مدرن دارد؟**

تاریخچه اخلاق مدرن گویای حرکت و همراهی گام به گام نوعی از بینش دینی و نوعی از بینش اجتماعی و سیاسی با این سنخ اخلاق است. به این معنا، اخلاق مدرن، طبق تحلیل‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی نه با دین سنتی و کلیسای پیش از مدرن، بلکه با کلیسا و دین جدید و اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی روزگار مدرن همبسته است و متناسب با نیازهای آن روزگار تنظیم شده است. از این منظر، چه بسا برخی از تکالیف و دستورهای اخلاقی مدرن با مسیحیت پیش از مدرن و حتی دیگر ادیان سنتی برکنار از این بینش، نااخلاقی جلوه کنند ولی در بافت و زمینه مدرن کاملاً معقول نمایان شوند. در اینجا با سنجی از عقلانیت روبرو هستیم که تلاش می‌کند برای تبیین مبانی مورد نیاز خود حتی چهره‌ای مدرن از دین بسازد و آن را در پرتو عقلانیت و اومانیزم مدرن عرضه دارد. بنابراین ما در اینجا با حرکت توأمان اخلاق و دین متناسب با نیازهای اجتماعی روبرو هستیم و چه بسا اخلاق دینی پیشامدرن در این وضعیت جدید قالب و حتی محتوایی جدید یافته باشند و بدین شکل عرضه شده باشند.

***اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه ای که جزء مباحث مدرن هستند، در اخلاق دینی چگونه مطرح می شوند و چه جایگاهی دارند؟**

بخش عمده‌ای از اخلاق حرفه‌ای که امروزه شاهد آن هستیم در نسبت با سازمان‌ها و ساختارهای دنیای جدید طراحی و تبیین شده است و بنابراین طبیعی است که برخی از آن‌ها را نمی‌توان در اخلاق دینی قدیم جستجو کرد. با این حال در همان اخلاق سنتی و دینی قدیم در بسیاری از حوزه‌ها اخلاق ناظر به حرفه‌های مختلف چه در حوزه پزشکی و چه در محیط زیست و یا حوزه سازمان‌های عمومی و غیره طرح شده است. باید توجه داشت که در هم تنیدگی اخلاق و فرهنگ عقلی و دینی در دنیای قدیم، جوامع و ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف را از عرضه این رویکردهای اخلاقی به نحو متمایز و کاملاً مشخص بی‌نیاز می‌کرد. بنابراین طبیعی است که در آن روزگار با عناوینی مشخص چون اخلاق محیط زیست و غیره روبرو نباشیم. با این حال به دلیل وجود همان مبانی عقلی که پیش از این گفته شد، همان اخلاق دینی قابلیت به روزسازی خود در حوزه‌های حرفه‌ای قدیم را دارد و حتی می‌تواند بابتی را برای حوزه‌های تخصصی جدید بگشاید و اصول و دستورهای اخلاقی را برای این حوزه‌ها وضع کند.